
وضعیت مشارکت اجتماعی در میان روسپیان (مطالعه‌ای تطبیقی در شهرهای

تهران، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، و رشت) در سال ۱۳۹۰

دکتر رقیه بهاری^۱، دکتر محمدرسل گلشن فومنی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت وضعیت مشارکت اجتماعی در میان روسپیان در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، کرمانشاه و رشت اجرا شده است تا میزان تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی میان گروه‌های گوناگون روسپیان اعم از تلفنی، خیابانی، دوستان، فامیل، اینترنت، و خانه تیمی تعیین شود. در این پژوهش سعی شده است تا براساس هدف‌های مرتبط با موضوع پژوهش، میزان تفاوت میانگین همکاری و شرکت در فعالیت شبکه‌های غیر رسمی و رسمی در بین گروه‌های گوناگون روسپیان، بررسی شود و با تکیه بر نظریه‌های متفکران حوزه انحرافات اجتماعی، اعم از مرتن، هرشی، سادرلنده و نظریه پردازان حوزه سرمایه اجتماعی اعم از پاتنام و فوکویاما، فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گیرد. بنابراین با توجه به روش مورد استفاده (پیمایش) و ابزار مورد استفاده (پرسشنامه و مصاحبه) روایی و پایایی ابزار نیز اندازه‌گیری شده، به طوری که اعتماد پرسش‌ها بالای ۷۰٪ بوده و پایایی آن قابل قبول بوده است.

یافته‌های به دست آمده از نمونه آماری که تعدادشان ۱۰۰ نفر از افراد جامعه آماری زنان روسپی در مراکز مداخله در بحران شهرهای فوق بودند نشان داد که میزان مشارکت در بین گروه‌های گوناگون روسپیان در این شهرها متفاوت است و این تفاوت در سطح ۱ درصد و فاصله اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. همچنین در بررسی فرضیه‌های اختصاصی نیز میزان همکاری با اعضای خانواده و دوستان و میزان شرکت در فعالیت شبکه‌های رسمی در بین گروه‌های گوناگون روسپیان تأیید شد و تنها تفاوت میزان همکاری بین اقوام و همسایگان با گروه‌های گوناگون روسپیان رد شد. به طوری که نتایج نشان داد بین این گروه‌ها تفاوتی در میزان شرکت در فعالیت‌ها وجود ندارد. بنابراین لازم است به اهمیت و نقش مهم نهادها و گروه‌های گوناگونی که مسئولیت مراقبت اجتماعی افراد را بر عهده دارند توجه شود و تأمین نیازهای گوناگون افراد، از نیازهای اولیه گرفته تا نیازهای ثانویه‌ای مثل نیازهای معیشتی، آموزشی، تربیتی، بهداشتی افراد مدنظر قرار گیرد.

کلید واژه‌ها

مشارکت اجتماعی، انواع روسپیگری^۲، همکاری و شرکت در فعالیت‌ها

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۲

دریافت مقاله: ۹۱/۴/۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

مقدمه

مسائل و مشکلات زندگی امروزی انسان‌ها، برخی را وادار به اعمالی می‌سازد که حیات خود و جامعه را به مخاطره می‌اندازند و در نتیجه این اقدامات، مورد توجه سایر افراد و قانون‌گذاران قرار می‌گیرند. در نهایت این رفتارها پرسش‌هایی را به دنبال دارند که از حق یا ناحق بودن جرم، متهم بودن یا متهم نبودن مجرم را در بر می‌گیرد و برای پاسخ به آنها، سهمی از داورى را بر دوش افراد گذاشته می‌شود و حضور قانون را در بسیاری موارد الزامی می‌گرداند.

در این میان، برای یافتن دلایل بروز کجروی و انحراف از هنجارهای جامعه، برخی مواقع به دنبال ریشه‌های آن در علم روان‌شناسی می‌گردیم و تمامی مشکلات و نابسامانی‌های زندگی را به ویژگی‌های شخصیتی، گذشته فرد، و... پیوند می‌دهیم، گاهی نیز دست‌های اقتصاد را در تمام جوانب زندگی، دخیل می‌دانیم. اما شاید گاهی لازم باشد پا را فراتر نهاده و از مرزهای اقتصاد و روان‌شناسی بگذاریم و از حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی الهام بگیریم و علت‌های اجتماعی بروز آسیب‌های اجتماعی^۲ را جست‌وجو کنیم، چرا که معلول‌های اجتماعی فقط زائیده عوامل اقتصادی و روانی نیستند، بلکه می‌توان آنها را پیامد عوامل اجتماعی دانست بنابراین عوامل اجتماعی طیف وسیعی را دربر می‌گیرد که شناختن و تحقیق در مورد همه آنها امری عظیم و بس دشوار است.

چون مسائل جامعه‌های آنچنان در هم تنیده‌اند که با دست‌کاری یک مسئله، زمینه‌های نهان مسائل دیگر عیان می‌گردد، در برخورد با مسائل جامعه‌ای، رویکرد توجه به متن و ساختار جامعه برتری خود را نمایان می‌سازد (آقابخشی، حسینی حاجی بکنده‌ای، ۱۳۸۶: ۲).

بنابراین برای شناختن مسائل و مشکلات افراد در جامعه لازم است به کنش‌گران اجتماعی به عنوان سرمایه‌هایی نگریسته شود که دوام و بقای جامعه در گرو رشد و تعالی آنهاست، توجه به مشکلات این عاملان و تلاش برای کاهش مسائل آنها ما را به سوی جامعه‌ای سالم هدایت خواهد کرد. در این مطالعه سعی شده است که نقش مشارکت اجتماعی در بروز روسپیگری را که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است، به عنوان یک عامل اثرگذار مد نظر داشته باشیم. چون همان‌گونه که دارایی‌های اقتصادی، بسیاری از نیازهای ما را برآورده می‌سازد دارایی‌های اجتماعی نیز در تأمین نیازهای ما بی‌تأثیر نیستند.

در هر حال ما کوشیده‌ایم تنها به نقش یکی از عوامل اجتماعی (مشارکت اجتماعی)^۱ در بروز آسیب اجتماعی روسپیگری بپردازیم که خود در برگیرنده شاخص‌ها و زیرشاخص‌های چندی است.

¹ social partnership

بیان مسئله

رعایت نکردن هنجارها و ارزش‌ها در جامعه می‌تواند پیامدهای سوء و جبران‌ناپذیری داشته باشد که گروه‌های مختلف در سنین متفاوت درگیر می‌کند. بنابراین در نتیجه واکنش افراد به مسائل اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی نیز بروز می‌کنند. آسیب‌هایی که نتایج سوئی را برای جوامع و افراد به همراه خواهند داشت و منجر به فروپاشی بنیان‌های جامعه می‌گردند.

از جمله معضلات اجتماعی که می‌توان از آن به عنوان یک آسیب اجتماعی نام برد، انحراف اجتماعی است که دامنه مفهومی گسترده و وسیعی دارد و مطالعاتی هم که در این زمینه صورت گرفته است با ابهام در تعریف انحراف مواجه بوده و به مصداق‌های روشنی برای تفکیک آن اشاره نکرده‌اند. کوئن معتقد است: «انحراف هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه منطبق و سازگار نباشد. انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نکند». نمونه‌های انحراف در فرهنگ ما، قتل عمد، تجاوز به عنف، دزدی، ناراحتی روانی جنون‌آمیز، بزهکاری جوانان، همجنس‌بازی، اعتیاد، فحشا و امثال آن است (امین صارمی، ۱۳۸۰: ۵۳-۵۴).

بنابراین باید بدانیم از گذشته تا به امروز هیچ جامعه‌ای وجود نداشته که از هر نظر مطلوب و منسجم باشد به طوری که از گذشته تا به امروز وقتی جوامع مختلف را مورد مطالعه قرار می‌دهیم بلکه همیشه میزانی از کجروی و ناهنجاری در آنها بین گروه‌های جنسی و سنی گوناگون وجود داشته است.

از جمله انحرافات که عمدتاً به گروه جنسی زنان اختصاص دارد، می‌توان از روسپیگری نام برد که در کشور ما نیز دیده می‌شود.

روسپیگری به معامله پایاپای بی‌بند و بارانه جنسی توسط مرد یا زن (روسپی ممکن است مرد یا زن باشد) برای کسب درآمد و تأمین معاش اطلاق شود. نوع رابطه میان روسپی و مشتری نوعی تحقیر متقابل است. روسپیگری معمولاً با سایر انواع آسیب روانی - اجتماعی، نظیر اعتیاد، جرم، جنایت و الکلیسم همراه است (پورافکاری، ۱۳۷۳: ۱۱۸۹).

این انحراف به گونه‌های متفاوتی در میان برخی از زنان وجود دارد که خود ناشی از عوامل متعددی است و منجر به بروز بسیاری از مسائل و انحرافات دیگر می‌شود که می‌تواند یک جامعه را به اضمحلال بکشاند. در ذیل به اختصار به توضیحاتی راجع به این پدیده در جهان و ایران اشاره می‌کنیم تا بتوانیم مسئله را روشن‌تر بیان کنیم.

چنانکه در اکتبر ۱۹۹۸ در انگلستان در یک کنفرانس بین‌المللی برای مبارزه با فحشا و بررسی طرق مقابله با به فساد کشیده شدن زنان و کودکان برگزار شد. بد نیست بدانیم که طبق آمارهای منتشرشده در سال ۱۹۹۷ بیش از ۱۱۰۰ مورد قاچاق زنان در جمهوری فدرال آلمان کشف شد و

تعداد ۶۰ شبکه قاچاق زنان که تحت حمایت مافیای روسیه بودند، در کشور اسپانیا از هم پاشیدند (مهرجو، ۱۳۷۹: ۱).

در فیلیپین براساس مقررات، روسپیگری ممنوع است، برای واسطه‌ها مجازات شدید منظور شده و حتی مشتری نیز پیگرد قانونی می‌شود. اما در حقیقت در هر یک از شهرهای بزرگ این کشور و به خصوص در حومه آنها صدها مرکز روسپیگری وجود دارد. علاوه بر این در مرکز شهر مانیل روسپیان دربارها و کاباره‌ها به طور نیمه آزاد فعالیت دارند (پترسون، ۱۹۹۹: ۲۹۶).

بنابراین می‌بینیم که چگونه در پایان قرن بیستم و در ابتدای هزاره دوم بهره‌کشی جنسی از زنان و فحشا به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی بسیار پرخطر در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. در سال‌های اخیر دامنه این معضل به کشور ما نیز کشیده شده است. اخبار پراکنده از قاچاق دختران و زنان ایرانی به کشورهای عربی به گوش می‌رسد، اما دولت در برابر فحشا، سیاست اندیشیده شده‌ای ندارد. پس از انقلاب اسلامی، با این پدیده اجتماعی هنوز چون یک تابو برخورد می‌شد و گذشتن از خطاهای قرمز آن حتی در کلام کاری است بسیار دشوار. از این رو، در شیوه رویارویی با مسئله نیز اتفاق نظر وجود ندارد (منتظر قائم، صدقی، ۱۳۸۴: ۸-۹).

با وجود چنین مسئله‌ای در جامعه که نفی آن انکار واقعیت است و با توجه به اینکه محققان مطالعاتی در رابطه با علل آسیب‌دیدگی زنان انجام داده‌اند ما سعی کردیم راه جدیدی را پیش رو بگیریم و ببینیم که آیا این مسئله با مشارکت اجتماعی ارتباطی دارد یا خیر؟ منظور از مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی یکدیگر را یاری نمایند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی، ۱۳۷۹: ۱۵).

طی چند دهه گذشته، فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی موجود برای جوانان هم در درون خانواده و هم در بیرون آن، روی داده است. در خانواده، رشد سرمایه انسانی بسیار زیاد شده به طوری که سطح تحصیلات دائماً در حال افزایش است، ولی به موازات رشد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی که شاخص برجسته آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفت و گو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بین والدین و فرزندان است، کاهش یافته است. در جامعه میزان فرسایش و نابودی سرمایه اجتماعی بیشتر بوده است (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

بنابراین در این پژوهش سعی بر آن خواهیم داشت تا رابطه مشارکت را که یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است در شبکه‌های رسمی و شبکه‌های غیررسمی با انواع روسپیگری در پنج شهر فوق که بیشترین تعداد روسپیان را دارا می‌باشند به دست آوریم و ببینیم آیا یکی از مهم‌ترین، شاخص‌های سرمایه اجتماعی (مشارکت) بر روی انواع روسپیگری که در این پژوهش، شامل شش

دسته‌اند و عبارتند از روسپیان تلفنی، روسپیان خیابانی، روسپیان شبکه دوستان، روسپیان فامیلی، روسپیان اینترنتی، و روسپیان خانه تیمی تأثیر دارد؟
آیا میزان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و رسمی در بین گروه‌های گوناگون روسپیان در این شهرها متفاوت است؟

اهداف پژوهش

هدف اصلی

شناخت میزان تفاوت مشارکت اجتماعی در میان گروه‌های گوناگون روسپیان.

اهداف اختصاصی

۱. شناخت و بررسی میزان همکاری بین شبکه‌های خانواده، دوستان، خویشاوندان، و همسایگان در بین گروه‌های گوناگون روسپیان.
۲. شناخت میزان شرکت در فعالیت‌های گوناگونی که از سوی شبکه‌های رسمی برگزار می‌شود، در بین گروه‌های گوناگون روسپیان.

فرضیه اصلی

میزان مشارکت اجتماعی در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است.

فرضیه اختصاصی

تفاوت میزان همکاری بین شبکه‌های اعضای خانواده، دوستان، خویشاوندان، و همسایگان.

چارچوب نظری

لازم به نظر می‌رسد جهت شناخت هر چه بهتر آسیب‌های اجتماعی که برخی از افراد جامعه به آن دچار شده‌اند پیش از تبیین نظری به سیر تاریخی آن پرداخته شود و سپس چارچوب نظری تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

الف. تاریخچه جامعه‌شناسی انحرافات

مراحل تکوین جامعه‌شناسی انحرافات در سه مرحله تاریخی به شرح زیر است:

۱. مراحل رواج نگرش فوق طبیعی: در این مرحله پدیده‌های انحرافی به ارواح و اشباح نسبت داده می‌شدند و ریشه‌جویی در طبیعت رواج داشت و آن را دارای خصوصیات بشری یا شبه‌بشری می‌دانستند. پدیده‌هایی مانند حسد، خشم، انتقام، و غضب که بسیاری از مسائل از این رفتارها ناشی می‌شد به طبیعت و نیروهای آن نسبت داده می‌شد. خشم خدایان

می‌توانست عامل بسیاری از مشکلات تلقی شود. رویه‌هایی مانند جادو، قربانی، مناسک دینی، حرکات و ژست‌ها و... همه در جهت پیشگیری یا مبارزه با انحرافات کاربرد داشتند.

۲. **مرحله نگرش‌های فلسفی:** این نوع نگرش‌ها را می‌توان توجیهات کلی و فلسفی از انحرافات دانست و اندیشه‌هایی از این نوع که آیا سرشت امری ذاتی، اکتسابی، یا ترکیبی است رواج داشت. گروهی معتقد به ازلی بودن سرنوشت و رفتارهای بشری‌اند، دسته دیگر سرنوشت را نقش‌پذیر می‌دانند و در آخر گروه سوم نیز به تعامل هر دو عنصر (ذات، اکتساب) معتقدند.

۳. **مرحله نگرش علمی:** آغاز مطالعه درباره عدم تطابق رفتارهای فردی و گروهی با هنجارها را که در قرن نوزدهم آغاز می‌شود باید شروع این مرحله دانست. «امیل دورکیم» با تفکیک دو مفهوم عادی (نرمال) از غیر عادی (پاتولوژیک) از پیشگامان این مرحله است (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۵).

نگرش رفتار انحرافی در عصر جامعه‌شناسی علمی رونق یافت. درس مسائل جامعه در دانشگاه‌ها توسط جامعه‌شناسان نامور ارائه گردید. حوزه رفتار انحرافی فرصت خوبی برای مطالعه مورد نظر فراهم می‌آورد در حالی که می‌کوشیدند از موضع‌گیری دآوری ارزشی بپرهیزند. رفتار انحرافی به رفتاری اطلاق می‌شود که با معیارهای خاص معمول انطباق ندارند. نگرش رفتار انحرافی، در ضمن، با نظریه مربوط به نسبی بودن فرهنگ نیز همراه است که امروزه به طور وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته است (شیخاوندی، ۱۳۸۶: ۵۱).

نگاهی به منابع علمی موجود در رابطه با انواع گوناگون رفتارهای انحرافی، حاکی از آن است که پیش از مطالعات جامعه‌شناسان در زمینه انواع کجروی‌ها جرم‌شناسان بودند که در پی تبیین زمینه‌های بروز جرم و شیوه‌های کاهش مجازات‌های حقوقی بر محکومین بسیار تلاش کرده‌اند. به طوری که بسیاری از جرم‌شناسان درصدد ایجاد تغییر و تحول در ساختارهای قضایی حاکم بر اروپا بوده‌اند. همچنین از نظر تئوری و گونه‌های روش‌شناختی در متون مختلف با انواع متفاوتی از رویکردها و دیدگاه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بعدها با توسعه و گسترش مکاتب جامعه‌شناسی در کشورهای اروپایی و امریکایی مفاهیمی چون آسیب‌شناسی اجتماعی، آنومی، بی‌سازمانی اجتماعی را وارد ادبیات جامعه‌شناسی انحرافات و جرم‌شناسی کرده‌اند.

بنابراین می‌بینیم که پیشینه رفتار انحرافی تا حدودی با حوزه‌های دیگر مرتبط است، ولیکن، پژوهشگر در این بخش سعی بر آن خواهد داشت تا ضمن بررسی دیدگاه‌های مرتبط در زمینه رفتارهای انحرافی در حوزه جامعه‌شناختی به نظریه‌های مرتبط در زمینه مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی نیز بپردازد و چارچوب نظری خود را بر پایه دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان این حوزه (جامعه‌شناسی) بنا نهاند و رویکرد خود را از آنها الهام بگیرد. جامعه‌شناسی

انحرافات یکی از حوزه‌های جامعه‌شناسی است که با رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی و با روش‌های علمی به مطالعه انحراف اجتماعی پرداخته و تلاش می‌کند مشخص کند چه نوع رفتاری به عنوان انحراف اجتماعی تعریف می‌شود، چه کسی آن را تعریف می‌نماید، چگونه و چرا مردم منحرف می‌شوند و اینکه جامعه چگونه با منحرفان برخورد می‌کند. جامعه‌شناسان برای پاسخ به این سؤالات و تبیین انحراف اجتماعی نظریه‌هایی را توسعه داده‌اند (کندال، ۲۰۰۰: ۱۷۴-۱۷۵).

به طور کلی می‌توان نظریات موجود در این رابطه (کج رفتاری اجتماعی) را می‌توان به دو گروه، پارادایم اثبات‌گرا و پارادایم ساخت‌گرا تقسیم‌بندی کرد که در تدوین چهارچوب نظری این پژوهش از میان پارادایم‌های مطرح‌پارادایم اثبات‌گرا مورد استفاده قرار خواهد گرفت که این پارادایم خود به سه دسته مهم از نظریه‌ها می‌پردازد، که عبارتند از: ۱) نظریه‌های فشار اجتماعی (۲) نظریه‌های یادگیری اجتماعی (۳) نظریه‌های کنترل اجتماعی.

در این میان سعی بر آن است که از بین دیدگاه‌های مطرح در زمینه نظریه‌های فشار اجتماعی از دیدگاه مرتن و فرصت‌های مشروع افتراقی، در میان نظریه‌های یادگیری اجتماعی از دیدگاه سادرلند و پیوند افتراقی و از میان نظریه‌های مطرح در زمینه کنترل اجتماعی از دیدگاه هرشی و پیوند اجتماعی استفاده گردد. البته در قسمت تبیین انواع روسپیگری که در ادامه به آن می‌پردازیم، ضمن توضیح در رابطه با نظریه‌های مذکور به چرایی استفاده از این نظریه‌ها نیز می‌پردازیم.

همچنین در پژوهش حاضر برای درک و تفسیر جامع، در رابطه با مشارکت اجتماعی از دیدگاه‌ها و نظریه‌های مطرحی استفاده خواهیم کرد که بتوان با آن به تبیین شاخص‌های مورد نظر به کار رفته در این پژوهش اعم از همکاری و همدلی و شرکت در فعالیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی (شبکه‌های رسمی و غیررسمی)، در ارتباط با سرمایه اجتماعی پرداخت تا نشان داده شود که تا چه اندازه انواع روسپیگری در مراکز مداخله در بحران پنج شهر فوق متاثر از شاخص‌های مطرح شده در مشارکت اجتماعی خواهد بود؟ هر چند که اندیشمندان بسیاری در حوزه‌های فکری مختلف سعی کرده‌اند به تدوین نظری برای تبیین مقوله‌های سرمایه اجتماعی بپردازند و چارچوب نظری خود را شکل دهند. ولیکن در این پژوهش از جمله نظریه‌هایی که سعی خواهد شد با تکیه بر آنها به تبیین سرمایه اجتماعی پرداخت عبارتند از دیدگاه رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما که در چهارچوب نظری تحقیق از آنها استفاده خواهد شد و در قسمت تبیین نظری سرمایه اجتماعی که در ادامه خواهد آمد، ضمن توضیح در رابطه با نظریه‌های مذکور به چرایی استفاده از این نظریه‌ها نیز می‌پردازیم.

تبیین نظری انواع روسپیگری

همان‌طور که بیان شد جهت تبیین نظری متغیر محوری پژوهش (انواع روسپیگری) از نظریه‌های مطرح در رابطه با کجروی اجتماعی؛ از پارادایم اثبات‌گرایی استفاده می‌کنیم که در قسمت ذیل به توضیح تئوریک و چرایی آنها می‌پردازیم.

نظریه‌های فشار اجتماعی

مرتن و فرصت‌های مشروع افتراقی

طبق نظریه رابرت مرتن جامعه فرد را به کجرفتاری مجبور می‌کند به بیان وی کجرفتاری حاصل فشارهای ساختاری اجتماعی خاصی است که افراد را به کجرفتاری وا می‌دارد (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۸۵-۲۴۸). به نظر مرتن، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به عنوان اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است، یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده آن کس هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶: ۴۴).

مرتن گروه‌های کجرو را به چهار دسته (نوآوران، آداییان، کناره‌روها و شورشی‌ها) تقسیم می‌کند. از آنجا که آسیب اجتماعی روسپیگری به عنوان یک معضل اجتماعی است شناخت نوع روسپیان در برقراری ارتباط و ناکامی‌های آنها در دستیابی به اهداف، عدم برقراری ارتباط سالم با افراد و گروه‌ها می‌تواند نقش بسیار مهمی در بروز و شدت کجروی آنان داشته باشد به طوری که می‌توانیم از دیدگاه مرتن به عنوان یکی از پیشگامان این مسئله الهام بگیریم.

نظریه یادگیری اجتماعی

سادرلند و پیوند افتراقی

از مشهورترین نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کجرفتاری اجتماعی نظریه پیوند افتراقی سادرلند است. نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیر انحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کجرفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نویانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده‌های کج رفتاری) علت اصلی کجرفتاری آنهاست (سادرلند و کرسی، ۱۹۹۶: ۷۷-۸۳).

روسپیگری به عنوان یک آسیب اجتماعی دال بر نوعی خرده فرهنگ کجرو است که با ارزش‌ها و معیارهای مورد تأیید جامعه در تضاد است و ناشی از ارتباط با افراد و گروه‌های ناهنجار

دارد که کیفیت و شدت این ارتباط می‌تواند بر بروز گروه‌های متنوع این آسیب (روسپیگری) مهم واقع گردد.

نظریه‌های کنترل اجتماعی

هرشی و پیوند اجتماعی

تراوس هرشی مهم‌ترین صاحب‌نظر این رویکرد علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها می‌داند. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه، مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد و جامعه است و ضعف این پیوند یا نبودش دلیل اصلی کج‌رفتاری است.

هرشی چهار جزء اصلی پیوند فرد با جامعه را که مانع کج‌رفتاری می‌شود چنین توضیح می‌دهد:

۱. داشتن «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند؛ ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج‌رفتاری آزاد بداند.
۲. افراد در هر جامعه وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره «متعهد» بوده، از کج‌رفتاری می‌پرهیزند تا موقعیت‌هایی را که به دست آورده اند حفظ کنند.
۳. افراد چنان خود را مشغول هم‌نوایی می‌کنند که دیگر وقتی برای ارتکاب کج‌رفتاری یا حتی فکر کردن به آن برایشان باقی نمی‌ماند. «درگیر شدن» در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره، همه وقت و انرژی آنها را می‌گیرد و این خود سبب تقویت تعهد می‌شود.
۴. «اعتقاد» افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجاری اجتماعی بستگی دارد و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج‌رفتاری هموار می‌کند.

بنابراین طبق این رویکرد بین «تعلق خاطر» افراد به جامعه «تعهد»شان به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی «درگیر شدن» آنها در فعالیت‌های مختلف زندگی و «اعتقاد» به نظام‌های هنجاری جامعه از یک سو و هم‌نوایی آنان با هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر رابطه مستقیم و با احتمال کج‌رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (هرشی، ۱۹۶۹: ۱۶-۲۶).

همان‌طور که هرشی نیز در دیدگاه خود مطرح می‌کند، نداشتن تعلق خاطر و تعهد به ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأیید جامعه می‌تواند منجر به بروز کج‌روی گردد؛ که این امر خود می‌تواند ناشی از عوامل متعدد نظیر عدم توانایی برقراری ارتباط با افراد، انجمن‌ها و نهادهایی باشند که در جامعه جهت

تأمین نیازهای افراد ایجاد گردیده‌اند، به طوری که این شرایط منجر به شکل‌گیری گروه‌های کج‌رویی خواهد شد که آثار و پیامدهای نامطلوبی برای دوام و انتظام جامعه به همراه خواهند داشت. بنابراین متوجه می‌شویم که ضعف در کم و کیف رابطه‌ها و پیوندها و عدم دستیابی به هدف‌ها به عنوان نیازهایی که انسان‌ها همواره در پی آنها هستند، می‌تواند باعث بروز گروه‌های آسیب‌دیده و کج‌رویی گردد که حیات اجتماعی جوامع را به مخاطره می‌اندازد. لذا با تکیه بر برخی دیدگاه‌های موجود در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی که ذکر گردید، سعی بر توصیف و تحلیل آسیب اجتماعی روسپیگری و رابطه آن با مشارکت اجتماعی به عنوان یک عامل مهم که مد نظر این پژوهش است، خواهیم پرداخت.

تبیین نظری مشارکت اجتماعی

حال به ذکر دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان در حوزه مشارکت اجتماعی که یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است می‌پردازیم تا به اهمیت و نقش این عامل (مشارکت اجتماعی) و زیرشاخص‌های آن در بروز آسیب‌های اجتماعی بیشتر پی ببریم.

الف) پاتنام

«رابرت پاتنام پس از انتشار مطالعه برجسته خود تحت عنوان «بولینگ تنها» (۲۰۰۰)، تبدیل به شناخته‌ترین چهره سرمایه اجتماعی گردید» (فیلد، ۱۳۸۸: ۵۱).

پاتنام در سال ۱۹۹۶ اظهار می‌دارد که «منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف خویش را تعقیب نمایند» (پاتنام، ۱۹۹۶: ۵۶).

«ایده مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزشمند هستند. تماس‌های اجتماعی بر کارایی افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۸-۱۹).

پاتنام در بخش دیگر اشاره می‌کند که در اواخر دهه ۱۸۸۰ شهرنشینی، مهاجرت و صنعتی شدن باعث تضعیف پیوندهای اجتماعی جامعه آمریکا گردید که در نتیجه آن، شبکه وسیعی از سازمان‌های داوطلبانه از جمله صلیب سرخ و اتحادیه‌های کارگری شکل گرفت. سپس میزان تعهد مدنی روبه افزایش نهاد اما بعد از وارد شدن آمریکا به جنگ جهانی دوم، نرخ رشد قبلی اش افول کرد. سپس از دهه ۱۹۶۰، آمریکایی‌ها در ابتدا به صورت آرام و بعد از آن از طریق یک جریان خائنه‌ی خودی، از یکدیگر و از اجتماعات خود جدا شدند (همان: ۲۷).

پاتنام این مدل را با آن دسته داده‌های پیمایشی که نشان می‌دهند «درک آمریکایی‌ها نسبت به صداقت و اعتماد از اوجی که اواسط دهه ۱۹۶۰ داشته کاهش یافته است» مرتبط می‌سازد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۴۳).

پاتنام معتقد است «شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و... کنش افقی شدیدی را به نمایش می‌گذارند که یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۷).

براساس دیدگاه پاتنام برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نیاز به وجود شبکه‌های اجتماعی‌ای است که در درون آن کنشگران به ایجاد ارتباط با یکدیگر می‌پردازند و روابط اجتماعی را شکل می‌دهند در این پژوهش شبکه‌های اجتماعی به عنوان کانال‌هایی که سرمایه اجتماعی در درون آنها رخ می‌دهد مد نظر قرار گرفته است تا میزان ارتباط افراد با آنها به عنوان عاملی اثرگذار با انواع روسپیگری به عنوان یک معضل اجتماعی سنجیده شود و ما شبکه‌های اجتماعی را در هر دو حالت رسمی و غیر رسمی در نظر گرفته‌ایم. از آنجا که در شناخت سرمایه‌های اجتماعی توجه به شاخصه‌های آن همواره می‌بایستی مد نظر قرار گیرد لذا مطالعه دیدگاه پاتنام به عنوان یکی از نظریه‌پردازان مهم در این عرصه ضروری به نظر می‌رسد. زیرا شبکه‌های اجتماعی و مشارکت افراد به عنوان عواملی بسیار مهم در زندگی افراد ایفای نقش می‌کنند و می‌توانند رهنمون این پژوهش قرار گیرند.

ب) فرانسسیس فوکویاما

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی عبارتست از هنجارهای غیر رسمی جا افتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. از نظر او دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزء به جزء مانند مسیحیت یا آیین کنفوسیوس را در برگیرد. آنها باید در رابطه انسانی واقعی جا افتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سر و کار داشتن با تمام مردم به طور متقابل وجود دارد اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود. هر مجموع از هنجارهای جا افتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهد بلکه آنها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی همچون صداقت، پابندی به تعهدات، وظیفه‌شناسی، رابطه متقابل و نظیر آن مرتبط باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۳).

فوکویاما یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان مقدار سرمایه اجتماعی را مشکل می‌داند. به نظر او شاید اطلاعاتی در خصوص گروه‌ها و زیر مجموعه‌های آنها وجود داشته باشد اما اتفاق نظر مشخصی در خصوص تفاوت‌های کیفی این اطلاعات در دسترس نیست. او برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از روش جایگزینی استفاده می‌کند. به نظر او می‌توان نمود سرمایه اجتماعی به عبارتی انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند انحرافات اجتماعی نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (مبارکی، ۱۳۸۳: ۶۳).

فوکویاما نیز به اهمیت و ضرورت همکاری و مشارکت میان افراد و تعهدات میان آنها توجه می‌کند. بنابراین سعی می‌شود تا نقش آنها به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی در انواع روسپیگری به عنوان یکی از آسیب‌هایی که امروزه جوامع بی‌شماری را درگیر کرده است توجه گردد. بنابراین با تکیه بر دیدگاه‌های مطرح شده از سوی هرشی، سادرلند، و مرتن در حوزه انحرافات، و پاتنام و فوکویاما در حوزه سرمایه‌های اجتماعی سعی بر آن است تا اهمیت تأثیر مشارکت اجتماعی بر کجروی این گروه آسیب‌دیده (زنان روسپی) از افراد مورد ارزیابی قرار گیرد تا با توجه به دستاوردهای این تحقیق بتوان به ارائه راهکارهای ممکن پرداخت.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع پیمایش تبیینی - توصیفی است و از جمله مطالعه‌های اجتماعی است که با عنوان وضعیت مشارکت اجتماعی در میان روسپیان. تحقیق تطبیقی در شهرهای تهران، رشت، شیراز، اصفهان و کرمانشاه است که با استفاده از روش پیمایشی ژرفانگر و پهنانگر به صورت مقطعی در دوره خاص، جهت بررسی میزان مشارکت اجتماعی و شاخص‌های آن (همکاری، همدلی و مشارکت) در شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی (خانواده، دوستان، اقوام، و خویشاوندان) و شبکه‌های اجتماعی رسمی (اعضای نهادهایی چون آموزش و پرورش، سیاست، اقتصاد، دین، رسانه‌ها) میان روسپیان و شاخص‌های آن (روспیان تلفنی، روسپیان خیابانی، روسپیان از طریق دوستان، روسپیان اینترنتی و روسپیان خانه فساد). به گونه میدانی صورت می‌پذیرد و سعی شده است تا هم از روش کمی و هم روش کیفی استفاده گردد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شامل زنان روسپیدر سازمان بهزیستی در پنج شهر (تهران، رشت، شیراز، اصفهان و کرمانشاه) در سال ۱۳۹۰ است که تعدادشان ۱۰۰ نفر می‌باشد. بنابراین چون مراکز مداخله در بحران این پنج شهر نسبت به سایر شهرها فعال‌تر و مراجعین بیشتری را دارا هستند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و چون تعدادشان حدود ۱۰۰ نفر می‌باشد نمونه‌گیری به صورت تمام‌شمار انجام می‌گیرد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه است که با مصاحبه حضوری با پاسخگویان تکمیل شده است، و پاسخ به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای: خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد می‌باشد. به طور کلی سؤالات پرسشنامه در سه بخش تنظیم شده است. دو بخش اول که عمده سؤالات را در بر می‌گیرد به بررسی وضعیت مشارکت اجتماعی و سنجش شاخص‌های آن اعم از همکاری، همدلی و شرکت در فعالیت‌ها در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی بین روسپیان می‌پردازد با این تفاوت که در

بخش اول سؤالات جهت دریافت اطلاعات با رویکرد دیگر اظهاری، در بخش دوم سؤالات جهت دریافت اطلاعات با رویکرد خود اظهاری، و در بخش سوم مشخصات دموگرافیک و ویژگی‌های خانوادگی فرد روسپی تنظیم شده است.

روایی^۱ و پایایی^۲ پرسشنامه

در این تحقیق هم از روایی درونی و هم از روایی بیرونی استفاده شده است. منظور از روایی درونی هماهنگی در تطابق مفهوم نظری و معرف‌های تجربی است که با در نظر گرفتن اهمیت روایی تحقیق، معرف‌هایی برای اندازه‌گیری تعیین شد تا با آنچه در تحقیقات دیگر به کار برده شده و نتایج قابل قبولی نیز داشته است، نزدیک بوده یا با مشورت اساتید و صاحب‌نظرانی که روی این موضوع کار کرده بودند، تعیین گردد. روایی بیرونی مربوط به تعمیم‌پذیری نتایج آزمون است، برای اطمینان از این موضوع از سه روش می‌توان روایی آزمون را سنجید. روش اول پرداختن به روایی محتوی آزمون است. منظور از روایی محتوی آن است که موضوع سنجش در تمامی موارد سنجش وجود داشته باشد. در تحقیق حاضر نیز سعی بر این بود که موارد مورد بررسی، نه تنها رشته مشترک موضوع مورد مطالعه را در بر گیرد، بلکه دامنه تغییر موضوع را نیز بیوشاند و سایر مواردی که مورد سنجش قرار نگرفته کاملاً مشخص و معین گرداند. روایی محتوا از طریق پیش آزمون مورد بررسی قرار گرفت و در سؤالات تغییراتی داده شد.

روش دیگری که از طریق آن می‌توان به روایی آزمون پی برد، محرز شدن روایی سازه است. این نوع روایی وابستگی شدیدی با نظریه دارد. در این راستا هم نتایج پیش آزمون و هم یافته‌های تحقیق در کل، مورد انتظار و قابل قبول برای محقق بود.

روش دیگر، روایی ملاکی است که در مورد تحقیق حاضر به علت عدم وجود ملاک تعیین شده در سطح مطالعه اجتماعی، احراز اعتبار از این طریق غیر ممکن بود. با این حال در مقایسه با تحقیقات اجتماعی مشابه، می‌توان به همگونی و همسانی نتیجه حاضر با سایر تحقیقات توجه نمود و تا حدی به اعتبار آزمون پی برد.

در رابطه با پایایی؛ متداول‌ترین روش تعیین پایایی ابزار آزمون، روش مرسوم به آلفای کرنباخ^۱ است (مه‌دوی، ۱۳۷۷: ۷۳). مطابق این روش، قابلیت اعتماد یک آزمون بر اساس نسبیّت واریانس‌های درونی آزمون محاسبه می‌شود و فرمول برآورد ضریب آلفای کرنباخ چنین است.

¹ validity

² Reliability

1. Cronbachs coefficient alpha

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum S^2}{S^2 K} \right)$$

این آزمون همسانی درونی یا ثبات درونی را ارزشیابی می‌کند و نشان می‌دهد که سؤال‌های آزمون تا چه حد برای اندازه‌گیری خصیصه مورد نظر با یکدیگر هماهنگی دارند. در این تحقیق ابتدا تعداد ۳۰ نفر به عنوان پیش آزمون مورد بررسی قرار گرفتند نتایج حاصل از آلفای کرنباخ برای سنجش میزان پایایی مقیاس‌های تحقیق نشان داده است که مقدار آلفای به دست آمده در رابطه با شاخص همکاری و همدلی ۸۵٪ و در رابطه با شرکت در برنامه‌ها و فعالیت‌ها ۷۰٪ بوده است بنابراین می‌توان به پایایی پرسشنامه اعتماد کرد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از پایان یافتن مرحله جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم، تمامی پرسشنامه مورد بازبینی قرار گرفت و پس از اطمینان از صحت کار، براساس سطوح اندازه‌گیری متغیرها و گفته‌ها کدهایی برای آنها در نظر گرفته شد.

اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه پس از کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss وارد کامپیوتر شده و هر کدام از متغیرها و کدهای مربوط به آن تعریف شدند و با استفاده از این نرم‌افزار تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. نتایج آماری به دست آمده از اطلاعات یافت شده، در رابطه با وضعیت فردی و خانوادگی پاسخگویان حاکی از آن است که پایین‌ترین گروه سنی متعلق به زنان روسپی ۱۴ ساله و بالاترین گروه سنی متعلق به زنان ۶۴ ساله می‌باشد. بیشترین فراوانی متعلق به گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال است که (۱۸٪) افراد مورد مطالعه را در بر گرفته است و این امر نشان‌دهنده آن است که پایین‌ترین سن، متعلق به زنانی است که ۱۴ ساله هستند، نکته حائز اهمیت آنکه این میزان سنی در تعاریف سازمان‌های حمایت از حقوق کودکان (یونیسف) در تعریف کودک می‌گنجد پس چنانکه مشاهده می‌شود، شاهد سیر نزولی سنی روسپیگری به عنوان یکی از پر مخاطره‌ترین، آسیب‌های اجتماعی هستیم.

۲. نتایج به دست آمده در ارتباط با وضعیت تحصیلی پاسخگویان نشان می‌دهد که عده‌ای از آنها، از حداقل تحصیلات جا مانده‌اند به طوری که بیشترین فراوانی متعلق به کسانی است که یا تحصیلاتشان در حد ابتدایی (۲۰٪) بوده یا بی‌سواد هستند (۱۱٪). البته آنهایی هم که تحصیلاتشان

در حد ابتدایی است به علت گذشت زمان و فراموشی دیگر چندان قادر به خواندن و نوشتن نمی‌باشند. همان‌طور که یافته نشان می‌دهد به طور کلی ۸۴٪ فاقد دیپلم هستند که این امر خود می‌تواند ناشی از ضعف سرمایه‌های فرهنگی در میان روسپیان باشد.

۳. در رابطه با وضعیت زناشویی عده‌ای از زنان مورد مطالعه در موقعیت صیغه ثبت نشده و عقد ثبت نشده قرار داشتند که در مجموع ۳۶٪ را در بر می‌گرفتند هر چند عده‌ای نیز که اظهار داشتند که دارای صیغه ثبت شده هستند به دلیل نابسامانی در وضعیت مسکونی و... مدرکی دال بر این امر نداشتند بنابراین اگر ارقام آنها را نیز به این جمعیت بیافزاییم ۵۵٪ افراد مورد مطالعه را شامل می‌شوند این افراد کسانی هستند که در وضعیت بی‌امنیتی زناشویی به سر می‌برند که خود محرکی است بر کجروی‌ها و انحرافات پی در پی آنان.

۴. در رابطه با وضعیت شغلی پاسخگویان، بیش از نیمی (۵۴٪) اظهار داشته‌اند که خانه‌دار هستند. این امر به آن معناست که این گروه از افراد، تنها از راه روسپیگری معیشت خود را تأمین می‌نمایند و سایر زنان مورد مطالعه از طریق مشاغل دیگر نظیر منشی‌گری و آرایشگری و کارهای خدماتی نیز امرار معاش می‌کنند که خود دلیلی بر نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای مزید بر تحصیلات پایین آنان در احراز شرایط مالی مساعد می‌باشد.

۵. در رابطه با موقعیت تحصیلی و شغلی والدین نتایج به دست آمده نشانگر آن است که بیشترین فراوانی (۴۵٪) متعلق به پاسخگویانی است که مادران‌شان بی‌سواد هستند و حتی ۳۰٪ نیز سوادشان در حد ابتدایی بوده است این امر چندان تفاوتی با وضعیت تحصیلی پدر پاسخگویان ندارد به طوری که در بین پدران نیز ۳۲٪ بی‌سواد و ۳۹٪ نیز سوادشان در حد ابتدایی بوده است بنابراین می‌بینیم که والدین این زنان از خدمات فرهنگی و آموزشی که می‌بایست از کانال‌های مسئول مانند نهاد آموزش و پرورش و رسانه‌ها دریافت می‌نمودند بی‌بهره مانده‌اند. راجع به وضعیت شغلی والدین نیز وضع به همین سبک می‌باشد به طوری که بالغ بر نیمی از پدران پاسخگویان (۶۶٪)، کارگر و ۷٪ نیز بیکار بوده‌اند و در بین مادران نیز اکثریت ۸۷٪ خانه‌دار بوده‌اند این ارقام نشان از آن دارد که والدین، پاسخگویان در وضعیت چندان مطلوب اقتصادی به سر نمی‌برده‌اند که این مسئله در ازدواج آنها و به تبع آن در سایر مشکلات و بروز ناپه‌نجاری‌های آنان سایه افکننده است و آنان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

تبیین فرضیه‌های پژوهشی

الف- میزان مشارکت اجتماعی در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است.

سطح معنی داری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۱	۴/۶۶۲	۱۴۳۴/۰۱۸	۵	۷۱۷۰/۰۸۹	بین گروه‌ها
		۳۰۷/۶۲۱	۵۹	۱۸۱۴۹/۶۶۵	درون گروه‌ها
			۶۴	۲۵۳۱۹/۷۵۴	مجموع

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین میزان مشارکت در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است به طوری که این تفاوت در سطح ۱٪ و فاصله اطمینان ۹۹٪ معنادار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر تفاوت میزان مشارکت میان گروه‌های گوناگون روسپیان مورد قبول و فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت میزان مشارکت در میان گروه‌های گوناگون روسپیان رد می‌گردد.

ب- میزان همکاری در بین شبکه‌ی اعضای خانواده در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۱۰	۳/۳۲۴	۲۸۷/۷۲۱	۵	۱۴۳۸/۶۰۵	بین گروه‌ها
		۸۶/۵۶۱	۶۵	۵۶۲۶/۴۹۳	درون گروه‌ها
			70	۷۰۶۵/۰۹۹	مجموع

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین میزان همکاری در بین شبکه‌ی اعضای خانواده، در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است به طوری که این تفاوت در سطح ۵٪ و فاصله اطمینان ۹۵٪ معنادار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر تفاوت میزان همکاری در بین شبکه‌ی اعضای خانواده، در میان گروه‌های گوناگون روسپیان، قبول و فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت میزان همکاری در بین اعضای خانواده، در میان گروه‌های گوناگون روسپیان رد می‌گردد.

پ- میزان همکاری در بین شبکه‌ی دوستان در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۲۴	۲/۷۶۱	۱۱۵/۸۷۲	۵	۵۷۹/۳۶۱	بین گروه‌ها
		۴۱/۹۶۱	۸۱	۳۳۹۸/۸۶۰	درون گروه‌ها
			۸۶	۳۹۸۷/۲۳۰	مجموع

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین میزان همکاری در بین شبکه دوستان در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است به طوری که این تفاوت در سطح ۵٪ و فاصله اطمینان ۹۵٪ معنادار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر تفاوت میزان همکاری در بین شبکه دوستان، میان گروه‌های گوناگون روسپیان، قبول و فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت میزان همکاری در بین شبکه دوستان، در میان گروه‌های گوناگون روسپیان رد می‌گردد.

ت - میزان همکاری در بین شبکه خویشاوندان و همسایگان در میان گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۱۶۳	۱/۶۱۸	۱۷/۸۲۴	۵	۸۹/۱۱۸	بین گروه‌ها
		۱۱/۰۱۵	۹۲	۱۰۱۳/۳۸۲	درون گروه‌ها
			۹۷	۱۱۰۲/۵۰۰	مجموع

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین میزان همکاری در بین شبکه خویشاوندان و همسایگان، در میان گروه‌های گوناگون روسپیان تفاوت معنادار ندارد. بنابراین فرض H_1 مبنی بر تفاوت میزان همکاری در بین میان گروه‌های گوناگون روسپیان، رد و فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت میزان همکاری در میان گروه‌های گوناگون روسپیان مورد تأیید واقع می‌گردد.

ث - میزان شرکت در فعالیتهای گوناگونی که از سوی شبکه‌های رسمی برگزار می‌شود، در بین گروه‌های گوناگون روسپیان متفاوت است.

سطح معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۳۲	۲/۵۸۷	۱۴۰/۷۵۸	۵	۷۰۳/۷۸۹	بین گروه‌ها
		۵۴/۴۰۹	۸۵	۴۶۲۴/۷۸۲	درون گروه‌ها
			۹۰	۵۳۲۸/۵۷۱	مجموع

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین میزان شرکت در فعالیتهایی که از سوی شبکه‌های رسمی برگزار می‌گردد در میان گروه‌های گوناگون متفاوت است به طوری که این تفاوت در سطح ۵٪ و فاصله اطمینان ۹۵٪ معنادار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر تفاوت میزان شرکت در فعالیتهای گروه‌های رسمی، میان گروه‌های گوناگون روسپیان، قبول و فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت میزان شرکت در فعالیتهای گروه‌های رسمی، در میان گروه‌های گوناگون روسپیان رد می‌گردد.

ج. میانگین میزان مشارکت در گروه‌های گوناگون روسپیان

میانگین مشارکت اجتماعی

انواع روسپیگری	خوداظهاری		دگراظهاری		مجموع	
	شبکه‌های غیر رسمی	شبکه‌های رسمی	شبکه‌های غیر رسمی	شبکه‌های رسمی	شبکه‌های غیر رسمی	شبکه‌های رسمی
تلفنی	۳۰/۵۰	۱۳/۰۶	۳۵	۱۶/۲۰۰	۶۵/۲۰	۲۹/۱۳
خیابانی	۲۴/۸۰	۱۲/۴۱	۳۶/۸۴	۱۴/۰۲	۶۲/۱۰	۲۶
دوستان	۲۴/۲۲	۱۴/۱۱	۳۷/۶۳	۱۶/۱۵	۶۳/۴۷	۳۰/۲۲
فامیلی	۲۰/۸۳	۱۲/۸۱	۳۴/۳۷	۱۴/۱۲	۵۲	۲۶/۹۴
اینترنتی	۵۰	۱۶/۷۵	۵۰/۷۵	۲۱/۲۵	۱۰۰/۵۰	۳۸
خانه تیمی	۳۶/۵۰	۱۴/۲۵	۴۴/۸۰	۱۸/۶۰۰	۸۱	۳۱/۵۰

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که به طور کلی میانگین وضعیت مشارکت در پرسشنامه دیگر اظهاری به مراتب از پرسشنامه خوداظهاری در بین تمام گروه‌های گوناگون روسپیان بیشتر است و در مجموع می‌توان چنین استنباط نمود که در شبکه‌های غیر رسمی میزان مشارکت روسپیان فامیلی از همه کمتر بوده به طوری که مقدار آن ۵۲ می‌باشد و پس از آن روسپیان خیابانی با ۶۲،۱۰ و روسپیان دوستان با ۶۳،۴۷ و روسپیان تلفنی با ۶۵،۲۰ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند در این میان روسپیان اینترنتی و خانه تیمی با رقم ۱۰۰،۵۰ و ۳۸ بیشترین میزان مشارکت را دارا بوده‌اند. در شبکه‌های رسمی این وضعیت متفاوت است به طوری که کمترین میزان مشارکت را روسپیان خیابانی دارا هستند که رقم ۲۶ را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن روسپیان فامیلی، تلفنی، دوستان و خانه تیمی با ارقام ۲۶،۹۴، ۲۹،۱۳، ۳۰،۲۲ و ۳۱،۵۰ کمترین میزان مشارکت را داشته‌اند که در این میان روسپیان اینترنتی با رقم ۳۸ بیشترین میزان مشارکت در شبکه‌های رسمی را دارا می‌باشند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی وضعیت فردی زنان روسپی مورد مطالعه در این پژوهش که در پنج شهر (تهران، شیراز، اصفهان، کرمانشاه و رشت) انجام شده است نشان می‌دهد که پایین‌ترین گروه سنی متعلق به زنان روسپی ۱۴ ساله و بالاترین گروه سنی متعلق به زنان ۶۴ ساله می‌باشد. بنابراین می‌توان اذعان نمود که ورود زنان از سنین بسیار پایین به تن‌فروشی، بهداشت فردی و اجتماعی آنان را هم در سطح جسمی و هم در سطح روانی به مخاطره می‌اندازد و این امر می‌تواند زنگ خطری برای جامعه محسوب گردد. چنانکه در ارتباط با وضعیت تحصیلی نیز مشاهده شد که اکثریت ۸۴٪

افراد فاقد تحصیل در سطح متوسطه بوده که این امر خود مسبب نداشتن کسب مهارت‌های لازم در زمینه شغلی و در نتیجه، عدم توانایی در حل مسائل و مشکلات در مراحل مختلف زندگی‌شان می‌گردد.

همچنین یافته‌های توصیفی، در رابطه با وضعیت زناشویی نشان داد که در مجموع ۳۶٪ اظهار داشته‌اند در وضعیت عقد و صیغه ثبت نشده هستند و عده‌ای نیز اظهار داشتند که دارای صیغه ثبت شده هستند مدرکی مبنی بر صحت گفتار خود نداشتند که تمامی موارد مذکور نشانگر آن است که بسیاری از آنان (۵۵٪) در وضعیت بی‌امنی زناشویی به سر می‌برند و این امر خود محرکی است بر رفتارهای ناپه‌نجار و بروز انحرافات اخلاقی و شغلی آنان. به طوری که بیش از نیمی (۵۴٪) اظهار داشته‌اند که فاقد مشاغلی با کسب درآمد قانونی هستند. این امر به آن معناست که این گروه از افراد، تنها از راه روسپیگری معیشت خود را تأمین می‌نمایند و سایر زنان مورد مطالعه نیز از طریق مشاغل دیگر نظیر منشی‌گری و آرایشگری و کارهای خدماتی نیز امرار معاش می‌کنند که این امر هم می‌تواند ناشی از نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای علاوه بر نداشتن تحصیلات لازم برای آنان در احراز شرایط مطلوب مالی گردد.

در ادامه از پاسخگویان خواسته شد تا در رابطه با موقعیت تحصیلی و شغلی والدین نیز اطلاعات لازم را ارائه دهند که نتایج نشان داد بیشترین فراوانی (۴۵٪) متعلق به پاسخگویانی است که مادران‌شان بی‌سواد هستند و حتی ۳۰٪ نیز سوادشان در حد ابتدایی بوده است این امر چندان تفاوتی با وضعیت تحصیلی پدر پاسخگویان ندارد به طوری که در بین پدران نیز ۳۲٪ بی‌سواد و ۳۹٪ نیز سوادشان در حد ابتدایی بوده است. این امر، می‌تواند در بهداشت روانی فرزندان حائز اهمیت ویژه‌ای باشد که نسبت به آن چندان توجهی نشده است. اگر این امر را به عنوان یک اصل بپذیریم که لازمه رشد جسمی و روانی فرزندان، مستلزم رشد بهداشت جسمی و روانی والدین است دیگر نمی‌توان نسبت به اهمیت امر آموزش و پرورش فرزندان که وارد سیستم‌های آموزشی می‌شوند به راحتی عبور کرد. راجع به وضعیت شغلی والدین نیز وضعیت چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد چون همان‌طور که ذکر آن گذشت، بیش از نیمی از پدران پاسخگویان (۶۶٪)، کارگر و ۷٪ نیز بیکار بوده‌اند و در بین مادران نیز اکثریت ۸۷٪ خانه‌دار بوده‌اند این ارقام دال بر آن دارند که والدین پاسخگویان در وضعیت شغلی مساعد اقتصادی به سر نمی‌برده‌اند و این مسئله در ازدواج آنها و به تبع آن در بروز مسائل و تنگناهای زندگی زنان روسپی و گسترش ناپه‌نجاری‌های آنان دامن زده و آنان را متأثر ساخته است. در رابطه با یافته‌های به دست آمده از فرضیه‌های پژوهشی، نتایج حاکی از آن است که به طور کلی میزان مشارکت اجتماعی که یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی است و از سوی نظریه‌پردازانی چون پاتنام و فوکویاما به اهمیت آن پرداخته شده است در میان گروه‌های گوناگون روسپیان که در این پژوهش شامل شش گروه اعم از روسپیان تلفنی، خیابانی، دوستان، فامیلی،

اینترنتی، خانه تیمی است، تفاوت معناداری وجود دارد بنابراین، این فرض با استدلال‌هایی که نظریه پردازان حوزه انحرافات اجتماعی مانند مرتن و هرشی و سادرلند داشته‌اند، سنخیت دارد زیرا آنان نیز به اهمیت رسیدن به اهداف، برخوردهای اجتماعی و ارتباط آنان با گروه‌های گوناگون توجه خاصی مبذول داشته‌اند زیرا ضمن کسب مهارت‌های اجتماعی که افراد در خلال ارتباط با افراد مختلف به دست می‌آورند گاه این ارتباطات منفی بوده و منجر به کجروی هر چه بیشتر افراد می‌گردد. نوسان در میزان مشارکت آنان منجر به گرایش آنان به گروه‌های گوناگون شده و در نتیجه تن فروشی به طرق مختلف می‌گردد.

در ارتباط با تفاوت میزان همکاری در شبکه‌های غیر رسمی اعم از اعضای خانواده، دوستان، اقوام و همسایگان نتایج دال بر آن دارد که میزان همکاری که به عنوان زیر شاخصی برای مشارکت در نظر گرفته شده است در شبکه‌های غیررسمی بین گروه‌های گوناگون روسپیان در میان اعضای خانواده و دوستان متفاوت است و این تفاوت‌ها در سطح ۵٪ و فاصله اطمینان ۹۵٪ معنادار است. اما در شبکه خویشاوندان و همسایگان این تفاوت معنادار نمی‌باشد بنابراین می‌بینیم که همان‌طور که مرتن نیز در حوزه رفتارهای ناپه‌نجار مطرح می‌نماید عدم دستیابی به اهداف منجر به بروز انواع گوناگون کجروی‌ها می‌گردد، شبکه‌های غیر رسمی به عنوان کانال‌هایی که فرد در آغاز سعی می‌کند تا نیازهای خود را از طریق آنان برطرف سازد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی آنان داشته باشد چنانکه پاتنام نیز حضور، کمیت و کیفیت این شبکه‌ها را مهم تلقی می‌نماید. خانواده و دوستان همواره نخستین مجرای ارتباطی فرد به شمار می‌آیند و پس از آنها نهادهای رسمی اعم از آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، دین و رسانه‌ها وارد عرصه می‌شوند. هرچند لازم به ذکر است که این نهادها مسئولیت سنگینی در تأمین نیازهای افراد بر دوش دارند و هر نوع ضعف و سوء مدیریت در این نهادها منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی مهلکی می‌شود که بقاء و حیات جامعه را به مخاطره می‌اندازد به طوری که یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان همکاری افراد، با این دسته از نهادها تفاوت معنادار دارد. نهادهای رسمی پس از خانواده که به عنوان اولین کانون زندگی فرد محسوب می‌شوند نقش بسیار تعیین‌کننده در چگونگی رفع نیازهای افراد بر عهده دارند. کم و کیف خدمات این نهادها در گرایش افراد به گروه‌های کجرو چنانکه هرشی و سادرلند می‌گویند در به انحراف کشیدن افراد نقش زیادی دارند.

لازم به ذکر است همواره به ضرورت رسالت هریک از نهادها در امر خدمات‌رسانی بهینه در جهت رفع نیازهای افراد در زمینه‌های مختلف اعم از آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و... توجه داشته باشیم و نقصان در عملکرد هریک از این گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی را مسبب به انحراف کشیده شدن افراد در جامعه در گروه‌های جنسی و سنی گوناگون بدانیم که هیچ یک نمی‌تواند مجزا و فارغ از عملکرد دیگری باشند.

منابع

فارسی

- آقابخش، ح. ا. و حسینی حاجی بکنده ای، س. ا. (۱۳۸۶). مددکاری اجتماعی و مسائل جامعه‌ای - نشست سرپرستان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- امین صارمی، ن. (۱۳۸۰). ذ. تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات وزارت کشور.
- پورافکاری، ن. ا. (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی، تهران، فرهنگ معاصر جلد دوم.
- شارع پور، م. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳.
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۶). جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعی، مرنديز.
- صدیق سروسستانی، ر. ا. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران، سمت، چاپ دوم.
- علوی تبار، ع. (۱۳۷۹). مشارکت در امور شهرها، تهران، سازمان شهرداریها.
- فوکویاما، فو (۱۳۷۹). پایان نظم - سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- فیلد، ج. (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، مترجمان غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران، کویر.
- مبارکی، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران.
- محسنی، م. (۱۳۸۶). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، طهوری.
- منتظر قائم، م. و صدقی، س. (۱۳۸۴). روسپیگری در ایران، تهران، طرح آینده.
- مهدوی، ب. و معتمدی، ه. (۱۳۸۲). زنان مسائل اجتماعی و اخلاقی. نشریه انتخاب شماره ۸۲/۰۸/۱۸.
- مهرجو، ر. (۱۳۷۹). بررسی عوامل آسیب دیدگی زنان از نظر اجتماعی - روانشناختی. نشریه هم میهن شماره ۷۹/۰۲/۰۷.

انگلیسی

- Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*. Berkeley and LoAngles: University of California Press.
- Kendall, D. E. (2000). *Sociology in Our Time*. U.S.A; Eve Howard.
- Merton, R. K. (1968). *Social Theory and Social Structure*. Enlarged Edition, New York: Free Press.
- Peterson, R. et al. (1999). *Social Problems*. New Jersey: Prentice-Hall.
- Putnam, R. D. (1996). *Who Killed Civic America?* Prospect, 4, 24, 66, 7-72.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*. Simon and Schuster, New York.
- Sutherland, E. H. and Donald R. Cressey. (1966). *Principles of Criminology*. 7th ed. Philadelphia: Lippincott.